

## اهمیت چهارمین اجلاس همسایگان دریای خزر در چیست؟

بهن اقای دیبا، متخصص حقوق بین‌الملل

به روز شده: 14:22 گرینویچ - دوشنبه 25 اوت 2014 - 03 شهریور 1393



آخرین نشست رهبران کشورهای ساحلی دریای خزر چهار سال پیش بدون دستور مهمی در باکو برگزار شد. قزاقستان، ایران، جمهوری آذربایجان، روسیه و ترکمنستان پنج کشور ساحلی دریای خزر هستند.

چهارمین اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر (ایران، روسیه، قزاقستان، جمهوری آذربایجان و ترکمنستان) ماه آینده در بندر آستراخان روسیه برگزار خواهد شد. رسانه های ایران می گویند که حسن روحانی، رئیس جمهور این کشور هم به دعوت ولادیمیر پوتین همتای روسی اش در این نشست شرکت خواهد کرد.

اولین اجلاس سران خزر در سال ۲۰۰۲ در عشق آباد (پایتخت ترکمنستان)، دومین اجلاس سران خزر در تهران (۱۶ اکتبر ۲۰۰۷) و سومین اجلاس سران خزر در سال ۲۰۱۰ در باکو (پایتخت جمهوری آذربایجان) تشکیل شد و حالا آستراخان خود را برای میزبانی روسای جمهور پنج کشور ساحلی آماده می کند. اما اهمیت نشست چهارم رهبران خزر در چیست؟

هدف اصلی جلسات گذشته، همراه با ده ها جلسه دیگر که در سطوح مقامات مختلف این پنج کشور برگزار شده است، دستیابی به قراردادی جهت تعیین نظام حقوقی دریای خزر بوده است و با توجه به اینکه این مسأله هنوز حل نشده است، اجلاس چهارم نیز این موضوع را به عنوان موضوع اصلی در دستور جلسه خود دارد.

محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران پیش از برای تنظیم موضوعات مورد مذاکره سران در اجلاس وزرای خارجه کشورهای ساحلی در مسکو شرکت کرده بود و این هفته هم معاون او و سپس خود آقای ظریف دوباره به مسکو سفر می کنند. از میان روسای جمهور پیشین ایران، محمد خاتمی یک بار و جانشین او دوبار در نشست رهبران کشورهای ساحلی شرکت کرده اند که هر یک با حاشیه هایی همراه بوده است. اجلاس چهارم سران، اولین نشست رهبران دریای خزر است که حسن روحانی در آن حضور دارد.

منظور از نظام حقوقی خزر این است که توافق شود این دریا (با در واقع دریاچه) با چه روشی اداره و تقسیم شود و هر یک از کشورهای حاشیه آن نسبت به آب ها، کف دریا و منابع موجود در آنها چه حقوقی داشته باشند.

بر اساس آنچه که تاکنون منتشر شده، کارشناسان حقوقی انتظار ندارند که حتی چهارمین اجلاس سران بتواند شاهد حصول توافقی نهایی درباره نظام حقوقی خزر باشد.

چیزی که بیشتر احتمال دارد رخ بدهد، فشار ایران و روسیه برای محدود کردن یا از بین بردن راه های حضور و فعالیت دول غیر حاشیه خزر بخصوص دول غربی در امور این منطقه است.

روسیه از هم اکنون سخن از کنوانسیون استقلال دریای خزر را مطرح کرده که منظور از آن تعیین مقرراتی برای جلوگیری یا محدود کردن فعالیت های نظامی و تجاری دول غیر حاشیه خزر در منطقه است.

دریای خزر از لحاظ حقوقی تابع مقررات معمولی "حقوق بین الملل دریاها" نیست یعنی دولت های حاشیه این منطقه می توانند تصمیم بگیرند که چه نظامی بر آن حاکم باشد. نظر قزاقستان این است که همان قواعد "حقوق بین الملل دریاها" در خزر بکار برود ولی این مورد قبول چهار کشور دیگر واقع نشده است.

حسد و گمان درباره نشست رهبران ساحلی خزر در آستراخان



بر اساس آنچه که تاکنون منتشر شده، کارشناسان حقوقی انتظار ندارند که حتی چهارمین اجلاس سران بتواند شاهد حصول توافق نهایی درباره نظام حقوقی خزر باشد.

چیزی که بیشتر احتمال دارد رخ بدهد، فشار ایران و روسیه برای محدود کردن یا از بین بردن راه های حضور و فعالیت دول غیر حاشیه خزر بخصوص دول غربی در امور این منطقه است.

روسیه از هم اکنون سخن از کنوانسیون استقلال دریای خزر را مطرح کرده که منظور از آن تعیین مقرراتی برای جلوگیری یا محدود کردن فعالیت های نظامی و تجاری دول غیر حاشیه خزر در منطقه است.

مسئله تقسیم خزر در واقع پس از فروپاشی شوروی سابق و ظهور دولت جدید در حاشیه دریای خزر اهمیت یافته است. موضوعی که بر این اهمیت افزوده، یافتن منابع قابل توجه نفت و گاز در دریای خزر است. این منابع از یک طرف برای کشورهای حاشیه خزر- بخصوص کشورهای تازه تاسیس قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان- که در پی ساختن و پیشرفت کشور هایشان هستند مهم است و از طرف دیگر از بابت منابعی که در کنترل کشورهای عربی نیست و خارج از حوزه اوپک قرار می گیرد، برای کشورهای اروپایی و آمریکا مهم است.

تا پیش از فروپاشی شوروی سابق، فقط ۲ کشور، یعنی ایران و شوروی در ساحل دریای خزر وجود داشتند. دولت های ایران و شوروی، به دلایل مختلف، درباره دریای خزر طوری رفتار می کردند که انگار این واحد آبی عظیم وجود ندارد. روس ها عملاً اجازه نمی دادند که ایرانی ها از یک خط فرضی و خودساخته که در دو طرف مرز خاکی ایران و شوروی (بندر آستارا و حسینقلی) را به هم وصل می کرد، عبور کنند.

بر اساس اسناد و مدارک موجود، کارشناسان حقوقی می گویند که خط "آستارا- حسینقلی" هیچ مبنای حقوقی و قراردادی نداشت و هر گونه ادعایی در خصوص اینکه چنین خطی مرز بین ایران و شوروی سابق در خزر بوده، به لحاظ تاریخی و حقوقی باطل است.

تنها نظام حقوقی موجود در دریای خزر مربوط به دو قرارداد ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ می شد که بدون ورود به مسئله تعیین مرزها، این واحد آبی را بین دو طرف ایران و شوروی مشترک می دانست.

بر اساس تعهد روسیه و کشورهای مستقل شده از شوروی سابق، تا زمانی که کشورهای تازه تاسیس حاشیه دریای خزر روی یک نظام جدید توافق کنند، نظام حقوقی دریای خزر همان نظام متکی به قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ است.

دولت های حاشیه خزر درباره نظام حقوقی جدید این دریاچه نظرات متفاوتی دارند.

ایران در ابتدا خواستار تقسیم تمامی دریای خزر (یعنی سطح آب و کف دریای خزر) بر یک پایه منصفانه بود (بر این اساس حدود ۲۰ درصد از دریای خزر سهم ایران می شود)؛ روسیه در پی تقسیم فقط کف خزر بر پایه خط منصف اصلاح شده است (یعنی در کل خط منصف حاکم باشد ولی در برخی جاها اصلاح شود). جمهوری آذربایجان و قزاقستان از روش روس ها استقبال کرده اند و حتی قراردادهایی بین این کشورها بر اساس این توافق منعقد شده است. آنها مشغول فشار آوردن بر ترکمنستان و ایران هستند که این روش را بپذیرند ولی تاکنون موفق نشده اند.

### حقوق تاریخی ایران در دریای خزر



ایران دارای حقوق تاریخی و بنیادی در دریای خزر است. این حقوق علاوه بر اسناد قرار دادی، متکی به هزاران سال حضور و مشارکت ایران در امور این واحد آبی بسته است گر چه کاستی هایی در قرار دادهای ۱۹۴۰ و ۱۹۲۱ در باره حقوق ایران در دریای خزر هست، اما در تاریخ موارد متعددی هست که کشور ها با همین قدر حقوق قراردادی و به استناد عهد نامه های قدیمی، استدلال خود را تقویت کرده اند و در نهایت رای خود را پیش برده اند.

اگر دریای خزر بر اساس خط منصفی که از مرزهای خشکی آنها در مجاورت خزر کشیده می شود، تقسیم شود، سهم ایران حدود ۱۳ درصد خواهد شد. (روس ها و جمهوری آذربایجان هر کدام در حدود ۲۰ درصد، قزاقستان حدود ۳۰ درصد و ترکمنستان حدود ۱۷ درصد را به خود اختصاص می دهند) در عین حال چنانچه دریای خزر بر اساس فرمول "خط منصف اصلاح شده" تعیین شود کمتر از ۱۳ درصد از عمیق ترین بخش دریای خزر که تا کنون هیچ منبع مهم نفت یا گاز در آن کشف نشده، نصیب ایران می شود.

عدم توافق روی نظام حقوقی دریای خزر باعث شده است که بسیاری از مسائل مرتبط با این حوزه آبی بلامتکلیف بماند. این امر باعث می شود که مدیریت مسائل مربوط به این منطقه، مثل ملاحظات مربوط به کشتیرانی، ماهیگیری، پرواز بر فراز منطقه، حفاظت محیط زیست و جلوگیری از آلودگی، استفاده های احتمالی نظامی، مبارزه با تروریسم و قاچاق مواد مخدر و جرائم سازمان یافته دیگر و غیره بصورت مناسبی صورت نگیرد.

در عین حال این مسئله (عدم حصول توافق روی نظام حقوقی خزر) باعث می شود که دولت های حاشیه دریای خزر نتوانند سیاست های مناسبی برای بهره برداری از منابع و راه های انتقال آن به بازارهای بین المللی را دنبال کنند. ادامه این وضعیت می تواند زمینه هائی را برای بروز کشمکش و اختلافات نیز ایجاد کند.

از این رو نشست رهبران کشورهای ساحلی دریای خزر که به زودی در روسیه برگزار می شود در صورت تلاش برای دستیابی یا دست کم تسریع در به دست آمدن یک رژیم حقوقی تازه، بسیار اهمیت دارد.



B B C

BBC © 2014

Ad By SavingsBull